

پژوهش در تاریخ، سال چهاردهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

مروری بر کتاب تمثيل و سياست در تاريخ صدر اسلام: خلفای راشدین اثر طیب الحبري^۱

زوهر حضرمی - الوش^۲

ترجمه اکرم کریمزاده اصفهانی^۳

این مطالعه به بررسی تاریخ‌نگاری خلفای راشدین اختصاص دارد.^۴ الحبري در آغاز می‌گوید هدفش تبیین خوانشی متفاوت از این تاریخ به‌مثابه چرخه تمثیلی وسیعی از روایت‌های ادبی است. (ص ix) تک‌نگاری شامل هشت فصل است. در میان چهارچوب ساختاری مقدمه (فصل ۱) و نتیجه (فصل ۸)، بدنه اصلی کتاب براساس سیر تاریخی ساماندهی شده: از جانشینی پیامبر (فصل ۲) و دوره عمر (فصل ۳) و عثمان (فصل ۴)، تا وقایعی که به جنگ داخلی منجر شد (فصل ۵)، خلافت علی (فصل ۶) و برآمدن امویان (فصل ۷). هر فصل به حوادث مختلفی می‌پردازد که به دوره مورد نظر مربوط است و بازنمایی آن حوادث را در روایت‌های مختلف بررسی می‌کند. این بازنمایی‌ها معمولاً از منابع تاریخی (عمدتاً طبری) و ادبیات دینی (مانند

1. Zohar Hadromi-Allouche. Review of El-Hibri, Tayeb. Parable and Politics in Early Islamic History: The Rashidun Caliphs. H-Mideast-Medieval, H-Net Reviews. July, 2013.

۲. استادیار الهیات و ادیان، دانشگاه دوبلین.

۳. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تهران.

4. Tayeb El-Hibri. Parable and Politics in Early Islamic History: The Rashidun Caliphs. New York: Columbia University Press, 2010.

بخاری) استخراج شده‌اند. سپس، خبری این روایت‌ها را موşkافانه بررسی می‌کند تا ارتباطشان با دیگر متون (عه‌دین، قرآنی یا روایت‌های نبوی اسلامی) یا دیگر وقایع در تاریخ‌نگاری اسلامی - خواه متقدم (مانند سیره پیامبر) یا متأخر (مانند وقایعی در دوره عباسی) - را بیابد. این ارتباطات از طریق پیوندهای زبانی یا مضمونی، مانند واژگان کلیدی متداول یا موتیف‌ها، و همچنین از طریق تطابق کاملی که گاهی میان منابع انجام شده، نشان داده شده‌اند.

برای بازتفسیر منابع اسلامی موجود در خصوص دوره راشدین، خبری توصیه می‌کند این داده‌ها را در زمین‌های وسیع‌تر از تاریخ‌نگاری اسلامی ببینیم و دیدگاهی ادبی به کار بگیریم. به این ترتیب، او مدعی است در ذیل مطالعات مروری پیشین در دهه‌های گذشته، به‌ویژه در زمینه مطالعات دینی قرار می‌گیرد. هرچند هیچ شاهد مشخصی برای این ادعا ارائه نمی‌شود. متونی که او بررسی می‌کند، نایست تنها در سطحی ادبی و به‌مثابه توصیف‌گر وقایع تاریخی یک دوره خاص در تاریخ اسلام خوانده شوند؛ بلکه باید با استفاده از ابزارهای ادبی مانند خوانش‌های بینامتنی روایت‌های عهدینی و اسلامی و حکایت‌های تمثیلی تحلیل شوند. خبری نشان می‌دهد که چنین خوانش‌هایی، شواهد بیشتری مربوط به دوره عباسی را رمزگشایی می‌کند؛ مانند مسئله جانشینی (مثلاً هارون الرشید)، مفهوم حکومت مرکزی، یا کاهش عناصر موعودگرایی انقلابی. در حقیقت خبری اشاره می‌کند که تاریخ راشدین و دیگر حکمرانان نخستین می‌بایست به‌مثابه پیش‌زمین‌های برای خوانش تاریخ عباسیان مورد توجه قرار گیرد. چنین دیدگاهی در اینکه اغلب منابع کلاسیک دوره راشدین از میانه قرن نهم هجری تدوین شده‌اند، کاملاً برحق است، و بنابر این وقایع و روح دوره صدر عباسی در موقع تحلیل بازنمایی‌های دوره راشدین باید در نظر گرفته شوند. خبری تأکید می‌کند که این دیدگاه در برابر دیگر مطالعات تاریخی که دوره راشدین را به‌خودی‌خود [و فارغ از هر دوره و موضوع دیگر] مطالعه می‌کنند، منحصر به فرد است. از

سوی دیگر، خبری زمانی که به روایت‌های تاریخ‌نگارانه مربوط به دوره راشدین به‌عنوان سندی تاریخی می‌پردازد، بر اهمیت کاربست دیدگاه‌های ادبی و بینامتنی به این متون برای تکمیل فهم ما از آن‌ها تأکید می‌کند.

برای خبری نقطه شروع تاریخ‌نگاری اسلامی، ژانر داستان‌های پیامبران است؛ زیرا اسلام امتداد شکل‌های پیشین یکتاپرستی است.^۵ منابعی که راویان مسلمان استفاده کرده‌اند، شامل گزارش‌های - گاهی جرح و تعدیل شده - عهدین و دیگر متون زیرمجموعه سنت نگارش اسلامی است. بنابراین، این تاریخ‌نگاری می‌بایست به‌مثابه بازتاب‌دهنده الگوهای تراژدی عهدینی و تمثیل‌های قرآنی از داستان‌ها و حکایت‌های عهدینی خوانده شود. یک انگاره اصلی در این زمینه مربوط به گناه و مجازات است که به‌طور مثال در حین استفاده از اصطلاح فتنه نشان داده شده است. این اصطلاح که عموماً در ارتباط با سقوط عثمان استفاده شده، می‌تواند تا هبوط حضرت آدم و حوا ردیابی شود.^۶ استفاده از چنین ساختارهای متنی می‌تواند برای بازنمایی و شرح حوادث قبل از زمان راشدین و همچنین دوره‌های پس از آنان مانند عصر اموی و عباسی استفاده شود.

خبری می‌گوید این نوع روایت‌های تمثیلی، روایت‌های پایه‌ای بود که توسط هر دو دسته نویسندگان شیعه و سنی استفاده می‌شد که بعدها این متون را برای وفق دادن با مقاصد مذهبی‌شان پردازش کردند. بنابراین، این روایت‌های اولیه تک‌وجهی نیستند؛ بلکه حاوی مطالبی هستند که می‌توانند دیدگاه‌هایی شیعی یا سنی - هر دو - تلقی شوند. از آنجا که قشریان هر گروه از روایت‌های پایه یکسانی استفاده و بعدها آن را پردازش کردند، منابع اولیه نشانگان اصلی را نه کاملاً خوب و بد، بلکه سیال نشان دادند.

الخبری در ادامه نشان می‌دهد که داستانی یک‌دست از وقایع صدر اسلام

5. Ibid, p 1.

6. Ibid, p 4-5.

وجود داشت که دارای پیرنگی مشخص بود؛ معانی متنوع آن زمانی که همراه با دیگر متون خوانده می‌شود، به صورت بینامتنی بازنمایی می‌شوند. هرچند این بحث به شواهد بیشتری از آنچه در بررسی کنونی بدان اشاره شد، احتیاج دارد. او می‌گوید که در خلال قرن نهم، گزارشاتی که به دوره راشدین مربوط بودند، تکه‌تکه شدند و معانی (سیاسی، کلامی و ...) یک روایت یکسان مبهم شد. این به خاطر قشریان شیعه و سنی بود که روایت‌های تاریخی را به گزارشاتی حقیقت‌بنیاد تقلیل دادند. همچنین به خاطر تفاوت‌های ژانری بود که در این زمان کم‌کم آشکار شدند.

براساس نظر خبری، منابع تاریخ‌نگارانه مسلمانان در بازنمایی از صحابه و منازعات آنان بر سر قدرت سیاسی از الگوهای عهدینی تاریخ ادواری منجی‌گرایانه استفاده کردند. نمونه‌های مشابه بین زندگی آنان و زندگی پیامبران پیشین ساخته شد. هرچند این مضامین حکایت‌های تمثیلی عهدینی در ادبیات ممزوج شدند. خبری این تفاوت‌های ژانری را با نیاز تدوین احادیث به فراهم آوردن تصویری مثبت از صحابه و در نتیجه اعتبار آنان به مثابه ناقلان حدیث و سنت نبوی توضیح می‌دهد.^۷ بنابراین او بر اهمیت استفاده از ژانرهای مختلف در پژوهش‌های تاریخ اسلام تأکید می‌کند؛ در برابر استفاده از یک ژانر که او از آن تحت عنوان جداسازی^۸ مطالعات اسلامی انتقاد می‌کند.^۹

خبری استدلال می‌کند که روایت دوره راشدین زمانی به بهترین صورت درک می‌شود که انعکاسی از مفاهیم مرتبط با جامعه عباسی قرن نهم - زمانی که در آن منابع تاریخ‌نگارانه اصلی روایت شده‌اند - [در نظر گرفته شود]. اما این دیدگاه تاحدی گیج‌کننده به نظر می‌رسد: هم در پرتو بحث

7. Ibid, p 8-9.

۸. عبارت Compartmentalization یا انفصال که اصطلاحی روانشناسی و یکی از مکانیزم‌های دفاعی انسان در برابر حوادث تلخ است، به فرایند انفصال بخشی از خودآگاه فرد از دیگر بخش‌ها اشاره دارد.

9. Ibid, p 18.

بالا در مورد این متون که هم‌زمان که در خلال قرن نهم تولید شده‌اند، برخی از معانی‌شان را از دست داده‌اند؛ هم از آنجا که کاربست این دیدگاه در طول کتاب نظام‌مند نیست و تنها در گستره محدودی دیده می‌شود. برخی از روایت‌هایی که در موردشان بحث شده، در حقیقت در بازتاب زمینه‌های عباسی فهمیده می‌شوند؛ به عنوان مثال، شباهت‌های میان توصیفات مشورت‌های مربوط به جانشینی خلفا در دوره عباسیان، و توصیفات مربوط به هارون الرشید در راستای براندازی خاندان برامکه.^{۱۰} اما در بسیاری از دیگر موارد، تشابه‌یابی میان حکایات و مضامین سپهر و عهدین، بدون هیچ ارجاع خاصی به عباسیان صورت گرفته است. مثلاً زمان بحث در مورد حکمرانی ابوبکر (بخش ۲) حبری به شواهد زیادی اشاره می‌کند که در درون روایت‌های موجود غالب‌اند؛ مانند عدم مشارکت زنان در سیاست، شباهت بازنمایی ابوبکر به پیامبر، تصویر شخصیت ابوبکر به‌عنوان فردی رؤوف (کندوکاوی در موتیف‌های ممکن برای به تصویر کشیدن او از این منظر نیز جالب توجه است)، شناسایی نمادین [و] همیشگی امام جماعت به‌عنوان رهبر جامعه. هم‌زمان که به بینامتنیت با حوادث مختلف در دوره راشدین اینجا اشاره شده،^{۱۱} پیوندهای اندکی نیز به دوره عباسیان نشان داده شده‌اند.

نمونه بافت عباسی برای خوانش متون راشدین - ولو در برخی از قسمت‌های تک‌نگاری - اثر بخش‌تر به نظر می‌رسد. بنا به نظر حبری، مثلاً در مورد عمر، تصویر او به‌مثابه حافظ قانون باید از طریق استفاده‌ای که ساخت این تصویر توسط خلفای متاخر عباسی و حقوقدانان در کسب مشروعیت برای کنش سیاسی داشت، فهمیده شود.^{۱۲} عمر نمایان‌گر عناصر عربی دولت اسلامی، و تمییز میان اسلام و عرب‌گرایی تلقی می‌شود؛ جایی که علی تاحدی برای نشان دادن عنصر ایرانی به کار گرفته می‌شود؛ و اهمیت ارتباط میان این عنصر برای خلافت عباسی به‌خوبی شناخته شده است. تصویر

10. Ibid, p 68.

11. Ibid, p 40.

12. Ibid, p 79.

عربی عمر در فصل ۷ بیشتر تأکید و از آن به عنوان نقطه ارجاع بحث برآمدن امویان استفاده می‌شود. اظهار نظر خبری مبنی بر این که شواهد عرب‌گرایی عمر به سادگی نادیده گرفته شده‌اند،^{۱۳} اندکی عجیب است، در حالی که عمر در منابع برای تبعیض مالی علیه مسلمانان غیر عرب مشهور بود.

بنابر این، به نظر می‌رسد که خوانش روایت راشدین در زمینه وسیع‌تر تاریخ‌نگاری مسلمانان در حقیقت مفید است، همچنین برای کسب فهم کامل‌تر از این متون و معانی‌شان. هر چند این معانی احتمالاً نباید در چهارچوب دوره عباسی کاملاً مستقل فرض شوند. همین‌طور، مضامین داستان‌های عهدینی که خبری آن‌ها را به عنوان لایه زیرین سراسری روایت‌های مربوط به صحابه مورد توجه قرار می‌دهد، در برخی موارد به خوبی و در عین حال در برخی جاها کمتر، نشان داده شده‌اند. بنابراین، برای مثال، مکالمه کعب الاحبار با عمر در مورد شاه عبرانی و پیامبر منذر - داستانی که استفاده شد تا عمر را از مرگ قریب‌الوقوعش مطلع کند - به درستی به پیامبر عهدینی ناتان مرتبط شده است.^{۱۴} هر چند شاه در این بافت بیشتر با داود یکی پنداشته می‌شود تا با سلیمان. تحلیلی دیگر از این تشابه بیشتر به کار می‌آید: زمانی که ناتان به داود اطلاع می‌دهد که پادشاهی به زودی از کف وارثان او می‌رود، شبیه به استنتاج خبری است از عملکردهای عمر که پیش‌بینی‌کننده و منجر به برآمدن امویان است. در نمونه‌ای دیگر، هر چند تشابهی که میان هیئت سفارتی عرب پیش از فتوحات به ایران و هیئت اسرائیلی در برابر فرعون برقرار می‌شود^{۱۵} هم جالب است، می‌بایست به نحو بهتری به ارجاعی متنی متکی می‌شد.

از نظر منابع، این تکنگاری برای اثبات بحثش استفاده وسیع تاریخی و مذهبی از هر دو دسته منابع اصلی مذهبی و تاریخی می‌کند. متن به دلیل

13. Ibid, p 84-85.

14. Ibid, p 114-115.

15. Ibid, p 89.

آنکه اساساً دارای ترتیب زمانی است و حوادث اصلی مربوط به راشدین را پیگیری می‌کند، به سادگی قابل فهم است، اما ارجاع‌دهی زیاد به متن کامل روایات از منابع اصلی، فهم بحث و استدلال را دشوارتر می‌کند. همچنین ارائه منظم استدلال‌ها و اظهارنظرهای اصلی مولف می‌توانست فهم را تسهیل کند. واژه‌نامه انتهایی اصطلاحات ساده مانند سنت و فتنه را توضیح می‌دهد و حاکی از مخاطب قرار دادن خوانندگان عام‌تری مانند دانشجویان یا عموم مردم است. با این وجود، تعداد زیاد ارجاعات به عبارات و اصطلاحات عربی توضیح داده نشده و ترجمه نشده، متن را برای چنان مخاطبانی چالشی می‌کند. به علاوه، در یک مطالعه ادبی که بر طبری متمرکز است، سودمند می‌بود اگر که به خوانش و اساختی این منبع در بوطیقای تاریخ‌نگاری اسلامی: اساخت تاریخ طبری (۲۰۰۴) اثر بعض شوشان^{۱۶} نیز ارجاع می‌داد.

در مورد روش‌شناسی، حبری این اثر را خوانشی بازنگرانه از رویدادنگاری‌های اسلامی ابتدای قرون میانه برمی‌شمارد؛ به شیوه‌ای که هم برداشت‌های سنتی مسلمانان از تاریخ صدر اسلام و هم درک محققین از آن را به چالش می‌کشد.^{۱۷} با آنکه خوانش پیشنهادی او مطمئناً این درک را توسعه می‌دهد، همچنین به لایه‌های معنایی بیشتری از متون رهنمون است، اما واژه «چالش» برای توصیف آن زیاد به نظر می‌رسد. مثلاً زمانی که حبری می‌پذیرد که وقایع سیاسی اساسی دوره راشدین همان‌گونه که گفته شده حقیقت دارند،^{۱۸} هم‌چنان روشن نیست که او این متون را تا چه اندازه‌ای به‌عنوان واقعیت تاریخی موجود خوانده و از چه معیارهایی پیروی می‌کند. مثلاً در حالی که او ادعا می‌کند که اطلاعات قابل اطمینان اندکی وجود دارد که ابوبکر چگونه خط‌مشی‌های حکمرانی‌اش را تعیین می‌کرد،^{۱۹} باور دارد

16. Boaz Shoshan.

17. Ibid, p x.

18. Ibid, p ix.

19. Ibid, p 62.

که به نظر نمی‌رسد روایت طبری از ترور عمر قراین موثق نداشته باشد.^{۲۰} چنین اظهارنظرهایی توضیح داده نشده و با شواهد بیشتر اثبات نشده‌اند. این اثر از آنجا که بر سودمندی‌های کاربرست دیدگاهی ادبی به متنی تاریخ‌نگارانه - که عموماً به‌عنوان اثری تاریخی در نظر گرفته شده است - تأکید می‌کند، ارزشمند است. با به‌کارگیری خوانشی بینامتنی برای متونی که تاریخی انگاشته شده‌اند، اغلب معانی بیشتری آشکار می‌شوند و متنی ولو یکنواخت و بی‌پیچیدگی را حائز اهمیت بیشتری می‌کند.



20. Ibid, p 110.